

آینه‌های روبه‌رو

محمدرضا فروتن:

دوست دارم با اعتماد بمیرم



■ **محمدرضا فروتن** از بازیگران شناخته‌شده‌ای است که **مورد علاقه تماشاگران نیز هست. گفت‌وگوی او با خبر آنلاین درباره فیلم شبانه‌روز است که این روزها روی پرده است.**

■ **آقای فروتن در همه این سال‌هایی که از حضور شما در سینما و درخشش شما در فیلم «قرمز» می‌گذرد، در کنار دنبال کردن دنیای حرفه‌ای به کارهای تجربی نیز توجه داشته‌اید. با توجه به این روحیه‌ای که از شما می‌شناسیم بفرمایید انتخاب نقش تان در «شبانه‌روز» بر چه اساسی بود؟**

معنای بازیگری برای من روی پرده و سرسر سینما بودن، نبود. فکر می‌کردم اگر قرار است بازیگر شوم باید بیشتر از اینها باشد و توانایی آن را داشته باشم که بتوانم شخصیت‌ها و تیپ‌های متفاوتی را بازی کنم. برای همین تلاش کردم و در کنار سختی‌های رسیدن به نقش، لذت آن را هم ببرم، اما در مورد «شبانه‌روز» اصلا فیلمنامه را نخواندم. به من گفتند آقایان علی‌حمدی و بندکدار قصد دارند فیلمی را شروع کنند و نقشی را هم برای تو در نظر گرفته‌اند. در عین حال گفتند همه نقش‌ها تقریبا حجمی مساوی دارد و همه هستند. من تعریف کارگردانی این آقایان را شنیده بودم و اینکه کارهایشان را با حساسیت و وسواس دنبال می‌کنند.

■ **روندی که در بازیگری طی کردید مسیری منحصر به‌فرداست.**

من مسیر بازیگری را طی کرده‌ام و الان در مقطعی هستم که احساس می‌کنم به میانسالی نزدیک شده‌ام، تصور می‌کنم باید زمان بیشتری را به خودم اختصاص دهم تا به آن چیزی که در ذهن دارم و اهدافی که تعیین کرده‌ام، برسیم. اکنون سراغ خوانندگی رفته‌ام و فکر می‌کنم پس از این اگر فرصت و امکانش فراهم شود در این زمینه بیشتر کار کنم. خیلی از آدم‌ها هستند که در زندگی گمنام هستند، دیده و شنیده نشدنند و کسی تشویق‌شان نکرده، اما اگر قرار بر این باشد که برایشان دست بزنیم باید سالیان سال بایستیم و اینها قهرمان‌های زندگی من هستند.

■ **یعنی از این پس کمتر شاهد حضور شما در سینما خواهیم‌بود؟**

دوست ندارم این طوری باشد و فکر می‌کنم می‌توان هر دو را کنار هم داشت، اما این نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد تا هم بتوانم این کار را عاشقانه طی کنم و هم آن کار را اما قطعا دوست دارم در سینما پرکارتر باشم.

■ **از زمان درک نقش تا ایفای آن گویا در مورد شما زمان کوتاهی است.**

بله، این به نوعی درک است و دوست دارم به آن درک برسیم. حالا برخی نقش‌ها مثل «دعوت»، «دیگری» و «وقتی همه خواب بودند» هست که باید روی رفتار و لهجه و حرکت کار کنم تا این آدم در درونم جا بیفتد و جایی از دستم در نرود. چنین نقش‌هایی به تمرین نیاز دارد و در نتیجه رسیدن به آن کمی طول می‌کشد. ■ **آقای فروتن چرا در مقطعی که دوران اوج خود را سپری می‌کنید، تصمیم می‌گیرید مسیرتان را عوض کنید و وارد فضای دیگری شوید؟ سینما به شما به عنوان بازیگر بی‌وفایی می‌کند؟**

نه، من نمی‌خواهم مسیرم را عوض کنم، من باز هم می‌خواهم دنبال دغدغه‌ها و عشق‌های خودم بروم، اما اینکه چقدر آدم وجود داشته باشد که نگاه ارزشی نسبت به آدم‌های سینما داشته باشند.

■ **حتما زمانی بوده که دوست داشتید با کارگردانان سرشناسی کار کنید، اما از حرف‌ها و لحن شما این طور به نظر می‌آید که گویا دیگر این دغدغه را ندارید. اتفاقا هنوز هم دوست دارم با برخی کارگردان کار کنم، اما خیلی چیزهای مهم‌تر از این برابم هست، من در میانسالی هستم و این زمانی است که اولویت‌های زندگی مورد بازیگری قرار می‌گیرد و متوجه می‌شویم از چه چیزهای مهمی غافل بوده‌ایم. به این فکر می‌کنیم که روزی قرار است از اینجا بروم و این انرژی تبدیل به انرژی دیگری شود، دوست دارم در آن لحظه به چیزهایی که واقعا احساس کردم مهم بوده، عمل کرده باشم، نه چیزهایی که سرگرمی بوده. همه ما کار می‌کنیم تا با کار شرافتمندانه خوب به مردم خدمت کنیم و دین‌مان را به جامعه ادا کنیم. اما چیزهای خیلی مهم‌تری در زندگی هست که فکر می‌کنم آن هم خودم هستم؛ پیدا کردن خودم و رشد کردن خودم. دوست دارم با اعتماد بمیرم.**

خبر آخر

تدریس سلاح‌خانه شماره پنج ممنوع شد

■ اگر کورت ونه‌گات، خود زنده بود و خبر ممنوع شدن تدریس رمان «سلاح‌خانه شماره پنج»‌اش را در یکی از دبیرستان‌های آمریکا می‌شنید حتما استاد دانشگاهی را که باعث و بانی این ممنوعیت شده از یکی از آن متلک‌های تاریخی‌اش بی‌نیص نمی‌گذاشت. اکنون خواندن این روایت ضد جنگ او برای دانش آموزان یک دبیرستان آمریکایی ممنوع شده است. گرچه گویا کتابخانه کورت ونه‌گات مقابل این اقدام بی‌کالر ننشسته و با شعار «خودتان تصمیم بگیرید» تصمیم گرفته ۱۵۰ نسخه از سلاح‌خانه شماره پنج را به دانش آموزان این دبیرستان هدیه دهد.



احمد نادعلیان

در سفر اخیرم به مجارستان که بهانه‌اش شرکت در برنامه «هنر در طبیعت بوداپست» بود، این امکان فراهم شد تا با چند محقق و یک هنرمند شاخص که نمایشگاه‌گردان هنرهای محیطی است، دیدار و گفت‌وگو کنم. با جان کی گراندز از کانادا، آنکه ملین از آلمان، کو سیونگ هیون از کره و چند هنرمند دیگر دیدار کردم. در کنار آن، کار خودم را هم که عملی بود در بخش همایش ارایه دادم؛ اما در کنار اینها، فرصتی فراهم شد تا کار جوانان ایرانی را معرفی کنم. نکته مهم، کیفیت و کمیت کار جوانان هنرمند ما برای هنرمندان حاضر در این برنامه بود.

حتی قرار شد در آینده، نمایشگاهی از هنرمندان محیطی ایران در کره برپا شود. پیش از این به کشور کره سفر کرده‌ام و حال درصدم هستم تا کار جوانان ایرانی فعال در عرصه هنرهای محیطی را در این کشور عرضه کنم. گوناگونی آثار نسل جوان هنرمندان محیطی ایران، نکته‌ای است که باید توجه

شرق:امیرحسین جوانی است که در اثر ضربه یک آجر به سرش به کما رفته و جوازانش جایی رها شده و روحش سرگردان مانده تا بی‌گناهی‌اش را ثابت کند، سیاهش ناخوسته دوستش را کشته و در آستانه اعدام با فرشته‌ای روبه‌رو می‌شود که خبری هولناک به او می‌دهد، دو خواهر یکی با قرآن آشنا و دیگری کمی شیطان و هر دو در تقابل با شیطان... . اشتباه نکنید، اینهایی که خواندید نه گزارش مذهبی است، نه قرار است صفحه حوادث یا اجتماعی را بخوانید و نه... . خلاصه کوتاهی از سه مجموعه از چهار مجموعه تلویزیونی مناسبتی است که بی‌هیچ داوری در دهه اول رمضان از شبکه‌های مختلف رسانه ملی پخش شده است و اتفاقا هم در نظر خواهی این چند روزه سایت‌ها از سوی مردم با عدم استقبال روبه‌رو شده است. در نظرسنجی‌ها آرایشی در حدود پنج‌درصد علاقه برای این سریال‌ها در نظر گرفته‌اند. اشتراک دیگر مضمون این سریال‌هاست یعنی پرداختن به مسایل ماورایی و البته به ویژگی‌هایشان باید نقض تصمیم چند سال گذشته این رسانه اضافه کرد. شورای طرح و برنامه تلویزیون طرخی را چند ماه پیش از ماه مبارک رمضان تصویب و ارایه کرده بود که به موجب آن یکی از شبکه‌ها - به‌طور خاص شبکه سراسری یا همان شبکه اول سیما- مجموعه ماورایی را آماده کند. مجموعه اجتماعی نیز موضوعی بود که باید یکی دیگر از شبکه‌های تلویزیونی که - ترجیحا شبکه دوم یا شبکه استانی بودند- باید به آن می‌پرداختند. مضمون خانوادگی هم مضمون دیگری بود که یکی دیگر از شبکه‌ها باید آماده پخش می‌کرد. براین اساس تنها مجموعه طنز می‌ماند که در چند سال گذشته سهم شبکه بود. البته در یکی، دو سال گذشته مجموعه خانوادگی به شبکه

حضور پررنگ و متنوع جوانان

ویژه‌ای به آن داشته باشیم. اصولا آثار هنرمندان محیطی ایران، گوناگونی طبیعت و فضای فرهنگی ایران را نشان می‌دهد. شما با گردش در تمام اروپا و خصوصا اروپای مرکزی یک طبیعت واحد، مشابه آنچه در شمال ایران وجود دارد، می‌بینید. از شن و کوبر و کوهستان‌های مرتفع غیر از چند نقطه در مرز سوئیس و فرانسه، خبری نیست. ولی در ایران تنوع محیطی قابل‌توجهی وجود دارد. وقتی جاذبه‌های طبیعی ایران را به هنرمندان شرکت کننده در برنامه بوداپست نشان می‌دادم، بسیار شگفت‌زده شدند. در واقع هنر محیطی در ایران در بردارنده همه آن چیزی است که در داخل کشورمان و همچنین در کشورهای همسایه دیده می‌شود. اینها نکاتی است که در سفر اخیرم روی آن تاکید کردم، هرچند هنرمندان محیطی سایر کشورها، در جست‌وجوهای اینترنتی خودشان با فضای ایران آشنایی نسبی‌ای دارند.

خوشحالم که هنرمندان جوان ایران در عرصه هنرهای محیطی فعال هستند و امیدوارم با نمایش آثار آنها در کره، بتوانم در جهت معرفی آثار آنها به جهانیان گام بردارم.

ادب‌و هنر

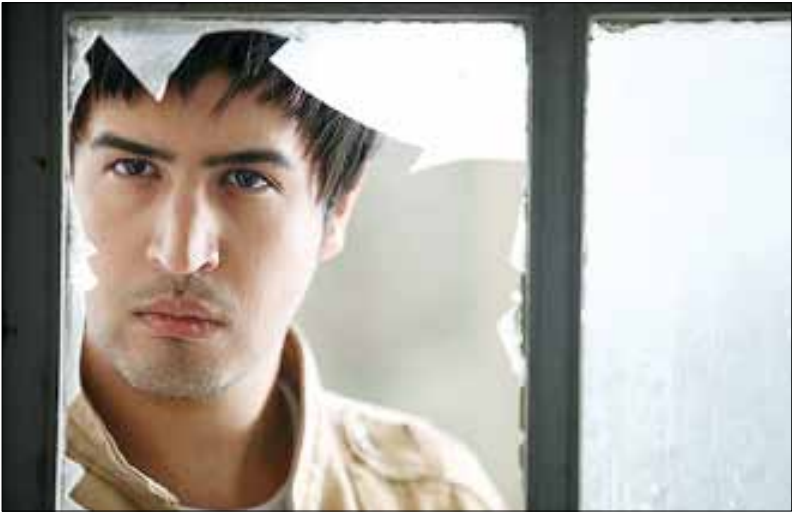
مشیت علیی



پیدایش رمان گوتیک از دهه ۶۰ قرن هجدهم، مانند هر جریان ادبی و فرهنگی دیگر، از درون جریان غالب آن زمان یعنی نئوکلاسیسیسم متولد شد و این مکتب را مخل پرورش تخیل می‌دانست. ادبیات و هنر گوتیک از نظر جامعه‌شناسی، عکس‌العملی نسبت به مکتب کلاسیسیسم بود. در زبان کلاسیک، واژه‌های عینی وجود دارد چراکه در زبان کلاسیسیسم، واژه‌ها ناظر هستند. به تعبیر سارتر، ادبیات کلاسیک، ابزار فکری اشرافیت است. معماری گوتیک شاید بیشتر از دیگر هنرها، در مقابل معماری کلاسیک، تضاد بین این مکتب‌ها را نشان دهد. اقبال مردم به ادبیات گوتیک به حدی بود که برخی نویسندگان کلاسیک هم ناچار شدند رمان گوتیک بنویسند. به رغم اقبال به رمان‌های گوتیک، منتقدان از این‌گونه داستانی زیاد استقبال نکردند و آن را اشاعه مفاهیم شیطانی دانستند. تقریبا در قرن بیستم، نویسندگان فمینیست از تمهیدات گوتیک برای بیان اعتراضات‌شان استفاده کردند. ژانر گوتیک،

مردم سریال‌های ماورایی را نپسندیدند

سیما در تسخیر ارواح و شیطان



سوم رفته بود که با توجه به چشیش برنامه‌هایش نخستین شبکه‌ای بود که مجموعه تلویزیونی‌اش را پخش می‌کرد و مجموعه طنز به شبکه پنجم آمد که آخرین شبکه‌ای است که مجموعه مناسبتی خود را پخش می‌کند. علت این تصمیم هم

نام سالن بتهوون به جلیل شهناز تغییر کرد



سالن بتهوون خانه هنرمندان به جلیل شهناز تغییر نام داد. «حمیدرضا پوربخش» از پیشنهادهندگان این تغییر نام گفت: «همه سالن‌های خانه هنرمندان به یاد یکی از مفاخر و مشاهیر هنری کشور نام‌گذاری شده است، از این رو پیشنهاد می‌کنم نام سالن بتهوون که سنگینی با سایر عناوین ندارد نیز تغییر کند.

احمد غلامی در پی تغییر داوران جایزه ادبی منتقدان مطبوعات:

موضوع عجیبی نیست

بیش از یک دهه از جایزه نویسندگان و منتقدان مطبوعات می‌گذرد. این جایزه یکی از سه جایزه مستقل/ خصوصی ادبیات داستانی مسلت که با برگزار نشدن جایزه روزی روزگاری حالا در کنار جایزه گلشیری از مهم‌ترین جوایز خصوصی ادبیات است. امسال احمد غلامی دبیر این جایزه از کناره‌گیری دو داور این جایزه یعنی مهدی بزدانی‌خرم و محمدحسن شهنسوزی از ترکیب هیات داوران دوازدهمین دوره این جایزه خبر داد. پیش از این مهدی بزدانی‌خرم در خبری به «شرق» گفته بود که به دلیل رفع ابهامات و برگزاری بهتر این جایزه از داوری کنار می‌رود و در هیات موسس به کار خود ادامه می‌دهد. البته غلامی به مهر می‌گوید: این موضوع عجیبی نیست و این تغییر به درخواست حسن شهنسوزی و بزدانی‌خرم صورت گرفته‌است. الان نیز اتفاق عجیبی رخ نداده است. هر سال که جایزه به سمت جلوتری حرکت می‌کند، آثار پختگی در آن بیشتر دیده می‌شود و این هم نشانه‌ای از آن است. هرچند که شاید در دوره‌ای به این نتیجه هم رسیدیم که من هم در ترکیب داوری‌ها نباشم. از طرف دیگر خیلی هم به دنبال این نیستیم که سراغ موضوعاتی برویم که



«بله آخر» جدیدترین ساخته سینمایی علی مصفا با بازی لیلا حاتمی این روزها آخرین مراحل تدوین و صداگذاری را پشت سر می‌گذارد.

سخنرانی

گوتیک، برگ و تاثیرش بر خواننده

هیچ وقت ژانر اول نبود ولی دو چیز را در موردش نمی‌توان انکار کرد یکی اینکه طرفدارانش خصوصا در سینما بسیار زیاد هستند و دوم تاثیرش بر نویسندگانی چون خواهران برونته، چارلز دیکنز و... ادموند برگ، شهرتش در ایران را مدیون کتایی است که درباره انقلاب فرانسه نوشت. برگ، این رساله را در پایان عمرش نوشته اما او رساله دیگری هم دارد که درباره زیبایی‌شناسی است و مطالبی هم درباره ژانر گوتیک در ادبیات دارد. در این رساله، نوشتت که به نظارش مشخصه همه آثار هنری، بی‌حد و مرز بودن آنهاست. روشن و مشخص از صفات، مسایل محدودند ولی چون هنر نامحدود است، این تعاریف دربارش نمی‌گنجد. ترس نقش مهمی در التذاذ ما از امری شکوهمند دارد. برگ، می‌پذیرد که تالرم ترس و خطر، مضمّن داشتن پارادوکس و تناقض است. از زمان ارسطو تا امروز وقتی بحث از لذت ترائیک، چه از نوع جدید و چه نوع قدیمش می‌شود، عداوی مخالف به کارگیری لفظ لذت هستند، بنابراین از عبارت تاثیر استفاده‌می‌کنند.

■ **بخش از سخنانش در نشست کتاب‌بیداری رویاها نوشته محمدرضا گودرزی**

و مهدی سلوکی درباره روح یک دختر جوان است که ۲۰سال در کماست و به دنبال اثبات بی‌گناهی خود است. این همان مضمونی است که چند سال پیش در سریال «کمکم کن» به کارگردانی باسّم جعفری با بازی حمید گودرزی و مجموعه ملکوت به کارگردانی سیروس مقدم که سال گذشته با بازی کوروش تهامی و محمدرضا شریفی‌نیا به نمایش در آمد نیز همین مضمون را داشتند. نکته جالب در این مجموعه با وجود بازی خوب بازیگران مضمون و داستان است، روحی در حال درس خواندن در دانشگاه است و باید به کلاس درسش برسد تا سوار شدن روح‌های سرگردان در ماشین برای رفتن به جای دیگر که کمی با باورهای مذهبی منافات دارد. سقوط یک فرشته به کارگردانی بهرام پورامین یکی از مجموعه‌هایی بود که به اعتبار بهرامیان و به اعتبار بازیگرانش باید قابل تامل باشد. اما مضمون تکراری جدال خیر با شر و شیطانی که قالب مهرداد صدقیان سعی می‌کند این دو خواهر را گول بزند، انقدر تکراری است که به نظر می‌رسد اگر به جای مجموعه تلویزیونی یک مجلس سخن‌رانی مذهبی پخش می‌شد، بیشتر تماشاگر داشت. دیدن پژمان باغزی در نقش فرشته‌ای که به سیاهش با همان هومن سیدی در مجموعه سی‌امین روز کمک می‌کند اتفاقی تکراری است. این مجموعه‌ای است که قرار بود سال پیش پخش شود اما نشد و امسال از شبکه دوم سیما پخش می‌شود. سدوتنگ سدوتنگ به کارگردانی شاهد احمدلو تنها مجموعه کم‌دی این روزهاست که با بازی محمد کاسبی و سیروس گرجستانی برخلاف تصویری که از احمدلو هست، مضمون تکراری خنداندن تماشاچی با استفاده از بازی‌های بداهه و طنز کلامی را دستمایه خود قرار داده است.

شعر منتشر نشده از محمود درویش



فارس: روزنامه مصری الیوم‌السابع خبر داده است پس از سه سال از درگذشت محمود درویش و تعطیلی مجله ادبی «الکرمل» این مجله هفته جاری مجدداً با شعر تازه‌ای از درویش منتشر شد. این شاعر فلسطینی در سال ۱۹۸۱ مجله «الکرمل» را در بیروت راهاندازی کرد و هنگامی که در آگوست ۲۰۰۸ درگذشت این مجله دیگر منتشر نشد.

۱۵

چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۰

کلبه کوچک من

ورطه درون (۳۷)

اردشیر خرمکوب

■ در همان تاریکی مطلق، ناگهان باران تندى شروع به باریدن می‌کند. همراه با رعد و برق و صاعقه. آنچنان صدایی و آنچنان برقی در آن برهوت بر سر واماندگان فرو می‌ریزد که آنان، از ترس مرگ، انگشت در گوش‌های خود فرو می‌کنند. درست در یک چنین اوضاع و احوالی، خداوند به مولفه اصلی و حاکم بر این فضا، که شأن خود اوست اشاره می‌کند: «والله محیط بالکافرین.» در اینجا و با همین مولفه محوری، درچه نوزدهم بسته می‌شود. با گشودن درچه بیستم، می‌بینیم خداوند چند نمای درشت از چهره این واماندگان نشان ما می‌دهد. اینکه نور شدید و ناگهانی برق‌هایی که برمی‌جهد، به چشمان اینان فرو می‌شود و رعشه بر تن‌شان می‌ریزد. و دیگر اینکه با هر برق، یکسوی قدیم می‌وند. و باز با تاریک شدن اطراف، درجا میخکوب می‌شوند. آنچه از اینان در معرض آسیب است، چشم‌ها و گوش‌هایشان است که با رعد و برق‌های هول‌انگیز و دهشتناک، توانایی خود را از دست می‌دهند. راستی، خدا با این حق‌پوشان به ظاهر زیرک که این‌گونه در گل مانده‌اند، قرار است چه بکند؟ پاسخ ما را خود خداوند می‌دهد و درچه بیستم را با همین پاسخ می‌بندد: «ان الله علی کل شیء قادیر.» یعنی محدوده توانمندی انسان‌ها را کنار بگذارید. اینجا پای قدرت خدا در میان است. که به هر چه صلاح بدارد و اراده کند، دست می‌برد.

فیلمی که دیدیم، تصویر و توصیفی از وضع روحی و روانی آدم‌های چند رنگ است که برای فریب و تخریب مردم، نقاب‌های جورا‌جور به چهره می‌بندند. این بیابان وحشت‌زاد حقیقت، درون آنان است. و آن تاریکی و رعد‌ها و برق‌های کشنده، هول و هراسی است که آنان درگیر آنند. در این چند آیه، تصویر، به مدد ادبیات آمده است. با دو برداشت نهایی شاید بتوان به روح این آیه‌ها نزدیک‌تر شد. یکی اینکه این جور آدم‌ها، با همه زیرکی‌هایشان، از درون، گرفتار یک چنین حالتی هستند. و دیگر اینکه کاملاً در مشّت خداوندند و راه گزیری ندارند. «امروز جمعه است. زمستان است. اما از برف و باران و سرمای کشنده زمستان‌های دور دوران کودکی و نوجوانی من خبری نیست. کلبه کوچک من، با رفت و برگشت یک لوله که درونش آب داغ جریان دارد، گرم می‌شود. از کیوتران وحشی من خبری نیست. روز‌ها، امروز دقیقاً ۶۸روز است که روز‌ها، یک جا برای خودم نوشتم: «قوی باش دوست من، شاید همه دست به دست هم داده‌اند تا تو چند روزی با خدای خود خلوت کنی.»

در این خلوت، صدای پرنده‌های بهاری، از دور، به درون کلبه من، پا می‌گذارد. زمستان باید بار خود را ببندد و برود. بهار در پیش است. امروز به تاریخ شمسی: ۲۱اسفندماه است. چند روزی بیش به نوروز نمانده. و من با ورود به سال جدید ۵۸ساله می‌شوم، اگر از من بپرسید این همه سال، چگونه و با چه سرعت از کنار تو گذر کرد و رفت، می‌گویم: به یک چشم بر هم زدنی! این پاسخ مشترک همه کهنسالان است. یعنی چیزی در کف دست‌شان نیست که بگویند: دوسال و ۱۰سال و صدسال. ادامه سخن من به همین ناپایداری عمر بشر مربوط است. **ادامه دارد**

دور ایران

■ **مهر:** خانواده محمدعلی کشاورز از مردم خواستند که مقابل بیمارستان محل بستری وی تجمع نکنند و برای وی دعا کنند. در پی بستری شدن محمدعلی کشاورز، چهره ماندگار کشورمان در بیمارستان، برادر وی با اشاره به اینکه وضع جسمانی ایشان رو به بهبود است از مردم خواست در ایام معنوی و مبارک ماه رمضان برای سلامت و بهبودی کامل ایشان دعا کنند.

■ امروز ساعت پنج بعدازظهر باشگاه فیلم فرهنگسرای رازی در نهمین نشست خود، اقدام به نمایش، نقد و بررسی فیلم سینمایی «شبانه‌روز» به نویسندگی و کارگردانی امید بندکار و کیوان علی‌حمدی در سالن پردیس رازی کرده است. با حضور کارگردانان «حمیدرضا پگاه» (بازیگر)، «سعید عقیقی» و «پهژاد صدیقی» (منتقدان)، «رمضی پورصمدی» (مدیر فیلمبرداری)، «سیدجمال ساداتیان» (تهیه‌کننده) و... نقد و بررسی می‌شود.

دور دنیا

■ اثر تحسین‌شده «دای وایا» نوشته آنتوان چخوف این بار با حضور کیت بلانشت در مرکز کندی سیدنی به صحنه رفته است. ■ این نمایشنامه را اندرو آنتون با اقتباس از اثر چخوف برای شرایط امروز تنظیم کرده و به کارگردانی تاماس آشر به صحنه رفته و مایه‌های طنز این نمایش قوی‌تر شده است. ■ آل پانچینو قرار است نقش تهیه‌کننده موسیقی فیلم اسپکتور- که به جرم قتل در زندان است- را بازی کند. او به جرم قتل لارا کلارکسن، بازیگر تازه‌کار ۲۰ساله محکوم شده است. ماتم نمایشنامه‌نویس مشهور اعتقاد دارد اسپکتور به اشتباه مجرم شناخته شد و دوستان و خانواده کلارکسن معتقد هستند پخش این فیلم می‌تواند باعث همدردی افکار عمومی با اسپکتور شود.